

مجله علمی علوم اسلامی انسانی (سال هفتم) / ص ۷۳-۸۲ / پیاپی ۱۴۰ / تیرماه ۱۴۰۵

بررسی نقش عوامل تولید در رشد اقتصاد از منظر قرآن

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش مقاله: شهریور ۱۳۹۸

سید ضیاءالدین علیانسب^۱، مدینه دهقان^۲، علی دهقان^۳

^۱ دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مراغه

^۳ طلبه حوزه طالبیه تبریز، سطح ۲ پایه نهم

نویسنده مسئول:
مدینه دهقان

چکیده

براساس آیات قرآن دست یابی به زندگی شایسته در گرو بهره‌گیری از معارف آسمانی است و باید خطوط کلی، اصول و شاهراه‌های هدایت را از وحی گرفت و در چارچوب آن قدم برداشت. امروزه امور اقتصادی بخش مهمی از زندگی انسان را به خود اختصاص داده اند تا جایی که در کشوری که اقتصاد آن ضعیف باشد، مجبور است زیر بار تهاجم سیاسی و فرهنگی صاحبان اقتصاد باشد. شناسایی عوامل تولید از منظر قرآن و نقش آن در اقتصاد می‌تواند راهکاری برای مستوازن، و بارور شدن تخم امید به آینده روشن در میان مردم کمک کند. در این نگاشته که به روش کتابخانه‌ای نگاشته شده، به تبیین عوامل تولید از جمله به منابع طبیعی، سرمایه، کار و ابزار کار اشاره شده است در میان عوامل تولید، «کار» از جایگاه ممتازی برخوردار است؛ زیرا با انجام کار و استفاده از نیروی انسان، سایر عوامل و منابع مورد بهره برداری قرار می‌گیرند.

کلمات کلیدی: عوامل تولید، قرآن، منبع طبیعی، سرمایه، کار.

مقدمه

قرآن از کافی بودن منابع برای بشر و نزول برکت‌ها از خزانه‌بی پایان الهی سخن به میان آورده است و نعمت‌های خداوندی و امکانات آفریده شده برای بشر را نامحدود معرفی می‌کند، و هر چه که خداوند متعال آفریده براساس مصلحت و حکمت خداوند روی حساب و اندازه است. خداوند متعال در آیات متعددی به عوامل تولید اشاره می‌کند. از جمله این منابع منابع طبیعی و مواد اولیه است که اساسی‌ترین رکن تولید و فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد، و از مهم ترین ثروت‌های طبیعی است که آبادانی آن موجب رفاه افراد و جامعه می‌شود، عموم مسلمانان به تصریح قرآن مامور به آباد کردن آنند. معادن نیز از جمله ثروت‌های طبیعی است که بهره برداری از آن نقش مهمی در توسعه اقتصادی دارد، این منابع به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: معادن ظاهری و معادن باطنی.

عامل دوم تولید، کار است. ارتباط مستقیم کار با انسان و تحقق آن به وسیله اراده وی، سبب امتیاز خاص این عامل، بر سایر عوامل تولید است؛ کار در موارد مختلف طبیعت دخالت دارد: معدن را از زمین خارج می‌سازد، چوب را از درخت قطع میکند، لولو را از دریا ببرون می‌آورد و ... و دیگر موارد و ثروت‌هایی که انسان به وسیله «کار» از طبیعت بدست می‌آورد. سرمایه نیز یکی از عوامل تولید است که نقش بسزایی در رشد اقتصاد اسلامی دارد. در این نوشته برآنیم با استفاده از کتب تفسیری، مبانی اقتصاد اسلامی، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی و ... به روش کتابخانه‌ای عوامل تولید را در قرآن بررسی کنیم.

فراوانی منابع تولید

قرآن کریم درباره آینده زندگی و عده‌های امیدبخش داده است؛ برخلاف اقتصادانان بدین که آینده اقتصادی جامعه را تیره می‌بینند و معتقدند با افزایش جمعیت زمین و کمبود امکانات موجود در آن جامعه به سوی فقر و نابودی پیش می‌رود. قرآن از کافی بودن منابع برای بشر و نزول برکت‌ها از خزانه‌بی پایان الهی سخن به میان آورده است و نعمت‌های خداوندی و امکانات آفریده شده برای بشر را نامحدود معرفی می‌کند؛ البته به این معنی نمی‌باشد که نعمت فراوان به صورت بیهوده و بدون حکمت و رعایت مصلحت آفریده شده است. همان‌طور که بعضی از آیات بیان می‌کنند: «وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَرَائِنُهُ وَ مَا نَنْزَلْنَا إِلَّا بِقَدْرٍ مَعْلُومٍ (۲۱) حجر» گرچه خزئن الهی نامحدود، ولی آنچه برای انسان از این خزانه فرو فرستاده شده قدر و اندازه دارد. در به معنای مبلغ، مقدار و کمیت معین هر چیز است(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۱۴۳). در واقع هر چه را خدا آفریده روی حساب و نظام حساب شده ای است. لازمه حکمت و عدالت خداوند این است که هر چیزی به اندازه خلق شود. گرچه اندازه در خرد براساس مصلحت فرد است در کل و نسبت به جامعه براساس عدل می‌باشد که تناسب و توازن را اقتضا کند.

مِنْ كُلّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ (۱۹) حجر) وَ جَعْلَنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَ مِنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَرَائِنُهُ وَ مَا نَنْزَلْنَا إِلَّا بِقَدْرٍ مَعْلُومٍ (۲۱)

دانشمند بزرگوار، مرحوم سید مرتضی گوید: ظاهر آیه، خلاف این گفتار را اثبات می‌کند، زیرا مقصود از «مزون» مقداری است که به اندازه حاجت باشد، نه کم، نه زیاد. آنهم زیادی که مضر و بیهوده باشد(طبری، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۱۳). در آیه ۸۱ سوره نحل، از اتمام نعمت خداوند برانسانها سخن به میان آمده است. وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَ جَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيَّكُمُ الْأَخْرَى وَ سَرَابِيلَ تَقِيَّكُمْ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِيمُ عِنْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعْنَكُمْ تُسْلِمُونَ. وَ مَا مِنْ ذَائِبٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَيَّ اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۶۰) هود

«رزق» به معنی عطاء و بخشش مستمر است، و از آنجا که روزی الهی عطای مستمر او به موجودات است به آن رزق گفته می‌شود. این نکته نیز لازم به تذکر است که مفهوم آن تنها در نیازهای مادی خلاصه نمی‌شود بلکه هر گونه عطای مادی و معنوی را شامل می‌گردد، لذا می‌گوییم: «اللهم ارزقنى علما تاما»: خداوندا علم کامل به من روزی کن" و یا می‌گوییم: «اللهم ارزقنى الشهادة فی سبیلک»: "خداوندا شهادت در راهت را نصیب من بگدان". البته در آیه مورد بحث ممکن است نظر بیشتر روی ارزاق مادی بوده باشد، هر چند اراده مفهوم عام نیز چندان بعید نیست(تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۷). در حقیقت آیه فوق می‌گوید: تصور نشود که خداوند تنها به جنبندگانی که در جایگاه اصلی قرار دارند روزی می‌بخشد و به اصطلاح سهمیه آنها را در خانه‌هایشان می‌آورند، بلکه هر کجا باشند و در هر وضع و شرائطی قرار گیرند، سهم آنها را از روزی به آنان می‌بخشد چرا که هم جایگاه اصلی آنان را می‌داند و هم از تمام نقاطی که به آن نقل و مکان می‌کنند، با خبر است. از حیوانات غول پیکر دریابی گرفته تا جنبندگان بسیار کوچکی که به زحمت به چشم دیده می‌شوند هر یک مناسب حالشان آنچه را لازم دارند

مقرر کرده است. این روزی به اندازه‌ای حساب شده و مناسب حال موجودات است که از نظر "کمیت" و "کیفیت" کاملاً منطبق بر خواسته‌ها و نیازهای آنها است، حتی غذای کودکی که در رحم مادر است، هر ماه بلکه هر روز، با ماه و روز دیگر تفاوت دارد، هر چند ظاهرا یک نوع خون بیشتر نیست، و نیز کودک در دوران شیرخوارگی با اینکه ظاهرا ماههای پی در پی غذای واحدی دارد، اما ترکیب این شیر هر روز با روز دیگر متفاوت است! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۸).

۱- منابع طبیعی

مفهوم ازمنابع یا ثروت‌ها طبیعی چیزهایی است که دست بشر در ساختن آنها دخالت نداشته و دست طبیعت یا به تعییر صحیح‌تر دست آفرینش قبل از همه، آن را برای بهره‌گیری آماده ساخته است. (سبحانی، ۱۳۹۰، ص ۸۵) اساسی‌ترین رکن تولید و فعالیت‌های اقتصادی را منابع طبیعی و مواد اولیه تشکیل می‌دهد، در نتیجه چگونگی تولید و تلاش اقتصادی با چگونگی توزیع این ثروت‌های خدادادی مرتبط خواهد بود.

طبیعت عنوان تنها منبع تولید و تامین کننده امنیت و حیات بشر در کره خاکی

خداآوند در سوره مؤمنون در آیات ۱۸ تا ۲۲ چنین می‌فرماید: وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً يُقْدِرُ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ (۱۸) فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخْلٍ وَغَنَّابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهَ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۱۹) وَسَجَرَةٌ تَخْرُجُ مِنْ طُورٍ سَيِّئَةٍ تَبْنَيْتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِلَّآكِلِينَ (۲۰) وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لِعِتْرَةً نُسْقِيْكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۲۱) وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحَمَّلُونَ (۲۲) وَمَا بَرَى شَمَا آبَ رَا بِهِ قَدْرَ مَعِينٍ از آسمان نازل و آن را ساکن در زمین ساختیم و محققاً بر نابود ساختن آن نیز قادریم (۱۸) آنگاه ما با آن آب برای شما باگها و نخلستانهای خرما و انگور ایجاد کردیم که برای شما در آن میوه‌های زیادی است که از آن تناول می‌کنید (۱۹) و نیز درختی که از طور سینا برآید و روغن بارآورد و نان خورشت مردم گرد (۲۰). و برای شما در حیوانات اهلی عبرت خواهد بود که از شیر آنها که در شکم دارند شما را سیراب کنیم و در آنها برای شما منافع بسیاری است و از گوشت آنها نیز تناول می‌کنید (۲۱). آیات شریفه فوق به صراحة آب و گیاه به عنوان منبع اصلی تولید و پایه‌های تولید کره خاکی که حیات بشر به واسطه آنها ادامه می‌یابد ذکر شده است. در پایان این آیات نیز طبیعت و منابع آن به عنوان درس عبرت و آئینه تفکر درخصوص ذات حق معرفی شده است. همچنین در سوره نمل آیه شریفه ۶۴ أَمَّنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهُ وَمَنْ يَرْزُقْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَأُولَأُهُنَّ كُلُّمْ إِنْ كُلُّمْ صَادِقِينَ پروردگار متعال به صراحة تنها منبع تولید کره زمین را طبیعت معرفی می‌کند. و علاوه بر آن بر توحید و وحدانیت پروردگار یکتا تاکید می‌ورزد.

همچنین در سوره مبارکه عبس آیات شریفه ۲۴ الی ۳۲ می‌فرمایند: فَلَيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (۲۴). آنَا صَبَّيْنَا الْمَاءَ صَبَّاً (۲۵) مَسْقَقُنَا الْأَرْضَ شَقَّاً (۲۶) فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷) وَعِنْبًا وَقَضْبًا (۲۸) وَرَيْتُوْنَا وَتَخْلًا (۲۹) وَخَدَاقَقَ عَلَيْهَا (۳۰) وَفَاكِهَةَ وَأَبَا (۳۱) مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (۳۲).

پس آدمی به قوت خود بنگرد (۲۴) که ما آب باران را فور بختیم (۲۵) آنگاه زمینی را بشکافتیم (۲۶) در آن دانه (۲۷) و انگور سبزی (۲۸) و زیتون و نخل (۲۹) باغ‌های پر از درختان کهن (۳۰) و میوه‌ها و مراعت رویانیدیم (۳۱) برای استفاده شما و چهارپایان شما (۳۲).

در این آیات نیز پروردگار، طبیعت را به عنوان اولین حلقه اکوسیستم طبیعی و زنجیره تغذیه ای طبیعت معرفی می‌کند که هرگونه نابودی این حلقه باعث نابودی کل سیستم حیات خواهد شد. در فرهنگ و معارف اسلامی انسان با زمین خویشاوندی نزدیک دارد؛ خدا انسان را آفریده و او را به آبادانی و عمران آن واداشته است. (آیه ۶۱ سوره هود و إلى تَمُودُ أَخَاهُمْ صَالِحًا قالَ يَا قَوْمَ اغْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَأَسْتَغْرِفُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّيْ قَرِيبٌ مُجِيبٌ) او زمین و آنچه را که در آن است برای انسان آفریده، (الرحمان آیه ۱۰ و الْأَرْضِ وَضَعَهَا لِلْأَنَاءِ) و در خدمت او قرار داده است (لقمان، آیه ۲۰ أَلَمْ تَرَوْ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مِنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدَى وَلَا كِتَابٌ مُنِيرٌ) و بالاخره انسان را در زمین استقرار داده و امور معیشتی وی را در آن فراهم ساخته است. (اعراف، آیه ۱۰ وَلَقَدْ مَكَنَّا كُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ) از نظر اسلام رابطه درست انسان با زمین بسیار محترم و ارزشمند است، افرادی که رابطه تولیدی با زمین دارند نه تنها به استحباب (امام خمینی، کتاب البیع، ج ۳، ص ۲۲) عمل می‌کنند که گران بهترین کار (وسائل الشیعه؛ ج ۱۳، ص ۱۹۴) را انجام می‌دهند. آنان در دنیا از گران قدرترین افرادند و در آخرت از بهترین مرتبت و بلندترین منزلت برخودارند (وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۹۴). چنان‌چه از منظر اسلام به زمین بنگریم و آن را مجموعه‌ای از پدیده‌های مادی موجود در جهان خارج بدانیم که به نحوی در ادامه حیات بشر سهم دارد، اهمیت بحث از اقتصاد طبیعی روشن می‌گردد؛ زیرا منابع طبیعی در مقایسه با منابع

تولیدی دیگر نقش اساسی تری دارد و سایر منابع، اعم از منابع انسانی و سرمایه، بدون منابع طبیعی کارایی لازم را ندارند و تولید و بازده مفیدی از آنها به دست نمی‌آید.

۱- زمین

اولین منبع که از مهم‌ترین ثروت‌های طبیعی است و بدون آن هیچگونه تولیدی ممکن نیست «زمین» است (مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۳۳). و از مهم ترین ثروت‌های طبیعی است که آبادانی آن موجب رفاه افراد و جامعه می‌شود، عموم مسلمانان به تصریح قرآن مأمور به آباد کردن آنند) (کرمی، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۶۴).

در منابع فقهی، زمین به اینگونه تقسیم شده است:

(الف) **زمین موات**: (آن زمینی که بالفعل قابل استفاده نیست؛ مثلاً شوره زار است و یا سنگ و خار فراوان دارد، و یا باتلاق است و یا نیاز به آب دارد و آب ندارد و ظاهرن احتیاج به انجام کاری دارد تا قابل استفاده شود و همان کار بر روی زمین احیاء به شمار می‌آید) (ر.ک : تذکرة : الفقهاء، جلد ۲، ص ۴۰ و شرح لمعه، ج ۲، ص ۲۵ و جواهر الكلام، ص ۳۸ و ۳۷).

(ب) **زمین آباد طبیعی**: زمین هایی که بدون دخالت دست بشر، آباد و قابل استفاده است؛ به این سبب که اکنون به صورت جنگل و مرتع و یا اینکه برای آباد کردنش نیازی به آب و مانند آن ندارد (مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۲۳۴).

(ج) **زمین هایی که از طریق جهاد اسلامی به دست آمده است.** (مفتوحه العنوء) (سبحانی، سیمای اقتصاد اسلامی، ص ۸۵)

(د) **زمین هایی که از طریق صلح در اختیار دولت اسلامی قرار گیرد (فیء)** (حضر ۷ تا ۱۰، انفال ۱ و حشر آیه ۶).

۲- معادن

معدن یکی از پرارزش‌ترین منابع طبیعی است که در اختیار بشر قرار دارد، بخشی از آن مانند انرژی خورشید از طریق فضا به دست می‌آید بخش دیگر آن در آب است، مانند املاح و مواد شیمیایی گوناگونی که از آب گرفته می‌شود، در حالی که بخش معدن در زمین به صورت ارزنده‌ترین ثروت در اختیار همگان قرار دارد (سیمای اقتصاد اسلامی، ص ۱۰۳).

معدن از جمله ثروت‌های طبیعی است که بهره برداری از آن نقش مهمی در توسعه اقتصادی دارد، این منابع به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

(الف) **معدن ظاهری یا آشکار**: فقهای مشهور در تعریف این معدن گفته‌اند: معدنی است که در روی زمین قرار دارد، یا تا سطح زمین فاصله چندانی ندارد (کرمی، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۶۵).

(ب) **باطنی (عمقی)** معدنی است که در عمق زمین قرار دارد و برای به دست آوردن مواد آنها متحمل زحمت و هزینه حفاری گردید (عبداللهی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۷ و ۲۳۸). معدن موجود در زمین اعم ازفلز و غیر ازفلز از نهادهای اصلی و طبیعی تولید صنعت است که خداوند همه را به صورت رایگان در اختیار بشر قرار داده است.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رِسُّلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَنَّهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُولُ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلُهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قُوَّىٰ عَزِيزٌ (۲۵حدید) در واقع از خلق آهن در زمین به ازال حديد تعبیر شده است به اعتبار اینکه خداوند پیدایش اشیاء در هستی وجود بعد از عدم را ازال (فرو فرستادن) نامیده است.

"وَأَنْزَلَنَا الْحَدِيد"- ظاهراً این ازال نظری ازال در آیه "وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةً أَزْوَاجٍ" باشد، و ما در تفسیر سوره زمر گفتیم: اگر خلقت مخلوقات زمینی را ازال نامیده، به این اعتبار است که خدای تعالی ظهور اشیا در عالم هستی را بعد از عدم ازال خوانده، به این اعتبار که هر موجودی از موجودات نزد خدا و در عالم غیب خزینه‌ها دارد، و آن موجود پس از آنکه اندازگیری شده، و در خور عالم شهادت شده به ظهور پیوسته است، و این خود نوعی نزول است، هم چنان که فرموده: "وَإِنْ من شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَرَائِئُهُ وَمَا نَنْزَلَهُ إِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُومٍ".

"فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ"- کلمه "باس" به معنای تاثیر شدید است، لیکن غالباً در شدت در دفاع و جنگ استعمال می‌شود، و بدین جهت فرموده در آهن باسی شدید است، که بطور مدام جنگ‌ها و مقاتلات و انواع دفاعها نیاز به آهن داشته، چون اقسام سلاحهایی که درست می‌کرده‌اند از آهن بوده، و بشر از دیر باز به این فلز دست یافته، و متوجه منافع شده، و آن را استخراج کرده است. و اما منافع دیگری که این فلز برای مردم دارد احتیاج به بیان ندارد، چون می‌بینیم که آهن در تمامی شعب زندگی و صنایع مربوط به آنها و دخالت دارد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۷۲). آری تجهیزات سه‌گانه انبیاء الهی برای اجرای عدالت وقتی می‌تواند به هدف نهایی برسد که از ضمانت اجرایی آهن و "باس شدید" آن برخوردار باشد. گرچه بعضی تصور کرده‌اند که تعبیر "انزلنا" نشان می‌دهد که "آهن" از کرات دیگر به زمین آمده است ولی حق این است که تعبیر به "ازال" در اینگونه موارد اشاره به مواهی است که از مقام بالایی به مقامات پائینتر داده می‌شود، و از آنجا که خرائی همه چیز نزد خدا است و او است که آهن را برای منافع گوناگونش آفریده تعبیر به ازال شده است لذا در حدیثی از امیر مؤمنان علی ع

آمده است که در تفسیر این جمله فرمود: انزاله ذلک خلقه ایا: "منظور از نازل کردن آهن خلقت آن است". "باس" در لغت به معنی شدت و قوت و قدرت است و به مبارزه و جنگ نیز باس گفته می‌شود، ولذا بعضی از مفسران آن را به معنی وسائل جنگی اعم از دفاعی و تهاجمی تفسیر کرده‌اند، در روایتی از امیر مؤمنان علی ع نقل شده در تفسیر این آیه فرمود: یعنی السلاح و غیر ذلک: "منظور اسلحه و غیر آن است" روشی است که این از قبیل بیان مصدق است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۷۴). منظور از "منافع" هر گونه بهره‌ای است که انسان از آهن می‌برد، و می‌دانیم اهمیت آهن در زندگی انسانها به اندازه‌ای زیاد است که با کشف آن دوران تازه‌ای در تاریخ بشر شروع شد که به دوران آهن معروف است چرا که با این کشف چهره زندگی انسان در تمام زمینه‌ها دگرگون گشت، و این خود بیانگر ابعاد واژه "منافع" در آیه فوق است. در قرآن مجید نیز در آیات مختلف اشاره به این معنی شده: در یک جا می‌گوید هنگامی که ذو القرنین تصمیم بر ساختن سد عظیم خود گرفت گفت: آتونی زیرالحدید: "قطعات عظیم آهن برای من بیاورید" (کهف- ۹۶) و هنگامی که خداوند داد و را مشمول لطف خود قرار داد آهن را برای او نرم کرد تا بتواند با آن زره بسازد، و از خطرات جنگها و حملات دشمنان بکاهد «وَأَنَّا لَهُ الْحَدِيدُ أَنْ اعْمَلَ سَابِغَاتٍ» (سبا ۱۰ و ۱۱) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۷۴). منظور از «باس» (شدت و سخت) شدت در تاثیر است؛ اما «منافع للناس» منافع آهن برای مردم نیاز به بیان ندارد زیرا آهن در تمام زمینه‌های زندگی بشر و صنایع مختلف که انسان با آنها مرتبط می‌باشد حضور دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۷۲). خلق آهن به انتزال تعبیر شده به اعتبار اینکه خداوند پیدایش اشیاء در هستی را در انتزال و فوفروستادن از خزانی خود می‌داند. (همان) روشی است که آن مرحله اول خلق شده همان معادن سنگ آهن است و انسان با به کارگیری آن در جریان تولید به آهن خالص و سپس به کالاهای مورد نیاز خود تبدیل می‌کند و از آن نفع می‌برد. با بیان «فیه... منافع للناس» از آهن به عنوان عامل در پروسه تولید استفاده می‌شود.

وَالْأَرْضَ مَدَنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْرُونِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ (حجر آیات ۱۹، ۲۰).

تفسران در ذیل جمله «أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْرُونِ» نقل کرده‌اند که: احتمال نیز در معنی این جمله داده شده است که منظور روئیدن معادن مختلف در کوهها می‌باشد زیرا عرب کلمه "انبات" را درباره معدن نیز به کار می‌برد. در بعضی از روایات نیز اشاره به این معنی شده است، در روایتی از امام باقر ع می‌خوانیم: که تفسیر این آیه را از حضرتش پرسیدند، فرمود: "منظور این است که خداوند در کوهها معادن طلا و نقره و جواهرات و سایر فلزات آفریده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۵۵ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۳۹).

وَلِسْلَيْمَانَ الرِّيحَ عُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسْلَنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَرْغُبُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِفُهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (۱۲)

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِيبٍ وَتَمَاثِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اغْمَلُوا آلَ دَاؤَدْ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشَّكُورِ (۱۳) (سبا ۱۲ و ۱۳) آیات شریفه بر به کارگیری معادن مس در تولید ظروف و غیره دلالت دارند، به عبارتی، حضرت سلیمان از معادن مس به صورت عامل تولید بعضی از کالاهای استفاده کرده است، حتی قول به اعجاز و خارق العاده بودن جوشش مس از معادن و به کارگیری اجنه در فرآیند تولید دلالت آیات را تضعیف نمی‌کند زیرا به کارگیری معدن مس در تولید کالاهای نهایی مورد توجه است، خواه مواد معدنی به وسیله اجنه به کار گرفته شود یا رباط یا انسان. به طور طبیعی این معادن با قرار گرفتن در جریان تولید و تبدیل شدن به کالاهای نهایی می‌تواندوسایل زندگی انسان باشد.

۲- کار

در میان عوامل تولید، «کار» از جایگاه ممتازی برخوردار است؛ زیرا با انجام کار و استفاده از نیروی انسان، سایر عوامل و منابع مورد بهره برداری قرار می‌گیرند. گرچه امروزه ابزار و تکنولوژی پیشرفته، تا حدود زیادی جانشین کار انسان شده است، اما آن نیز محصول کار و ابتکار انسان است (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۱۳۵). به علاوه ارتباط مستقیم کار با انسان و تحقق آن به وسیله اراده وی، سبب امتیاز خاص این عامل، بر سایر عوامل تولید است؛ همچنان که از بعد اجتماعی و اخلاقی نیز «کار» دارای مقام والایی است. کار در میان همه ملل دنیا یا فرهنگ‌ها و ادیان مختلف، از جایگاه مقدسی برخوردار است و فقط به علم اقتصاد مربوط نمی‌شود؛ بلکه در علم اخلاق و عبادات و سیر و سلوک و به طور کلی در پیشرفت همه جانبی معنوی و اقتصادی، حرف اول را می‌زند، به طور کلی لذت معنوی انسان از حیات و زندگی خود، مبتنی بر کار است (مهر آبین، ۱۳۸۸، ص ۲۶). خداوند در قرآن کریم ما را به آبادانی زمین، امر کرده است. وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمَ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٌ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَالْسَّيْفُرُوْهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّيَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ (هود: ۶۱) معنای جمله "هو أنشأكم من الأرض و استعمركم فيها" (با در نظر داشتن اینکه کلام افاده حصر می‌کند) این است که خدای تعالی

آن کسی است که شما را از مواد زمینی این زمین ایجاد کرد، و یا به عبارتی دیگر بر روی مواد ارضی، این حقیقتی که نامش انسان است را ایجاد کرد و سپس به تکمیلش پرداخته، اندک اندک تربیتش کرد و در فطرتش انداخت تا در زمین تصرفاتی بکند و آن را به حالی در آورد که بتواند در زنده ماندن خوداز آن سود ببرد و احتیاجات و نواقصی را که در زندگی خود به آن برمی خورد بطرف سازد، و خلاصه می خواهد بفرماید شما نه در هست شدنتان و نه در بقایتان هیچ احتیاجی به این بتها ندارید تنها و تنها محتاج خدای تعالی هستید(طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۱۰). بنابراین، تلاش جهت آبادانی زمین وظیفه‌ی الهی است و در نتیجه، تنها انسان نیازمند نیست که باید به کار و تلاش پردازد، بلکه کسانی نیز که از نظر مادی، توانا و قدرت اراده، زندگی خویش را به خوبی دارند، باید کار را وجهه نظر خود قرار دهنده؛ زیرا با کار می‌توان رضایت خداوند را به دست آورد(یوسفی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۳). آبادی و آبادانی زمین به عنوان ماموریت انسان در زمین بدون تلاش و کوشش، کارامکان پذیر نیست. انسانها با کار و تلاش و کوشش است که زمین را به شکل کنونی آباد کرده و از امکانات و فرصت‌های پیش روی بشریه‌ره مند می‌شوند.

در قرآن از کلمات متراff و هم معنی «کار و تلاش» نیز فراوان یاد شده است: برای مثال از کلمه «عمل» با مشتقاش ۳۶۶ و کلمه « فعل » با مشتقاش ۱۰۷ بار و کلمه «جهد» با مشتقاش ۴۱ و کلمه «سعی» با مشتقاش ۳۰ مرتبه و کلمه «صنع» با مشتقاش ۳۰ مرتبه و... استفاده شده است. و نیز در قرآن کریم حدود ۴۰۰ آیه در تشویق ب «کار و تلاش» بیان ارزش و اهمیت «کار و تلاش» وارد شده است(گروه موسسه مطالعاتی ندای ملکوت، ۱۳۹۰، ص ۷۹). که این اهمیت منحصر به فرد اهمیت کار و تلاش از نظر دین اسلام را می‌رساند. مکتب حیات بخش اسلام انسان را به گونه‌ای به جهت زندگی دنیوی دعوت نمود که گویا آدمی جاودانه در این دنیا خواهد ماند؛ بلکه قرآن کریم تنها سرمایه انسان را «کار و تلاش» او شمرده و فرمود : وَ أَنْ لَيْسَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم: ۳۹) جالب اینکه نمی‌فرماید: بهره انسان کاری است که انجام داده، بلکه می‌فرماید تلاشی است که از او حاصل شده است، اشاره به اینکه مهم تلاش و کوشش است هر چند انسان احياناً به مقصد و مقصودش نرسد که اگر نیتش خیر باشد خدا پاداش خیر به او می‌دهد، چرا که او خریدار نیتها و اراده‌هاست، نه فقط کارهای انجام شده!*** و آیا خبر ندارد که سعی و کوشش او به زودی دیده می‌شود؟! (وَ أَنْ سَعِيهِ سُوفَ يَرَى) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۵۵۱). و بهشت و جهنم را نیز چیز جزء نتیجه و ظهرور اعمال انسان ندانست و فرمود: فَأَلْيُومُ لَا تُظَلَّمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَ لَا تُجَزَّوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۴ یس) (پیشرفت اقتصادی و عوامل آن، ص ۳۸) اسلام به کار و اشتغال اهمیت زیادی داده و از بیکاری به شدت نکوهش کرده است. گفته شده که «خداوند از بندۀ پرخواب و بندۀ بیکار به شدت متنفر است»(حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۲، ابواب مقدمات تجارت، باب ۱۷، ج ۴). در کلام بزرگان اسلام، کار به عنوان نوعی عبادت مطرح شده و حتی گاهی کار برای کسب روزی حلال برابر با جهاد در راه خدا به شمار آمده است(همان).

خلاصه اینکه کار در موارد مختلف طبیعت دخالت دارد: معدن را از زمین خارج می‌سازد، چوب را از درخت قطع می‌کند، لولو را از دریا بیرون می‌آورد و ... و دیگر موارد و ثروت‌هایی که انسان به وسیله «کار» از طبیعت بدست می‌آورد(صدر، ۱۳۵۰، ص ۴۲۷). و همچنین پرورده‌گار متعال تمام آنچه را که انسان در روز قیامت از آن برخوردار می‌گردد، جزء کار و تلاش او، چیز دیگری نمی‌داند و می‌فرماید: فَأَلْيُومُ لَا تُظَلَّمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَ لَا تُجَزَّوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (یس ۵۴) جزا و این آیه بیانگر تجسم عمل در قیامت است، زیرا می‌فرماید: جزای شما چیزی نیست جز عمل خود شما. «ما کنتم تعلمون» اما اگر می‌فرمود: «ما کنتم تعلمون» بدین معنا بود که به خاطر اعمالی که انجام داده‌اید، کیفر یا پاداش داده می‌شوید(قرائتی، ج ۷، ص: ۵۴۸). همچنین مالکیت حقیقی و تشریعی انسان را جزء کار و تلاش او نمی‌داند و می‌فرماید : وَ أَنْ لَيْسَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم: ۳۹).

۴- سرمایه

سرمایه عاملی است که ابتدا باید تولید شود قبل از آنکه بتواند در ساختن سایر کالاهای و خدمات به کار گرفته شود. دسته بندی های گوناگونی از سرمایه وجود دارد. هنگامی که از سرمایه صحبت میکنیم منظور کل تعداد ماشین آلات، ساختمانها و سایر منابع ساخت انسان است که در لحظه ای از زمان موجود است. این دارایی ها بیان کننده منابع مصرف نشده در دوره های قبلی است که برای تولید کالای آینده مصرف خواهد شد(رجائی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۹۱).

دو قسم سرمایه

۱- سرمایه اقتصادی یا سرمایه بالمعنی الاعم مجموعه ای از منابع را می گویند که کاربرد آنها امکان می دهد تا طی دوره های زمانی درآمدی به دست آید. این نو سرمایه شامل کالاهای نامتناجسی از قبیل ماشین آلات، اینیه و ساختمان هایی مسکونی، مواد اولیه، پول، اوراق بهادر و مانند اینها می شود.

۲- سرمایه فنی: مجموعه کالاهای غیرمستقیم واسطه ای است که تهیه کالاهای مستقیم و قطعی را امکان پذیر می سازد. سرمایه فنی به سرمایه ثابت و متغیر تقسیم می شود. به عواملی که در چندین عمل تولیدی به کار می روند، همانند اینیه، تاسیسات ثابت و تجهیزات تولیدی سرمایه ثابت می گویند. در مقابل سرمایه متغیر سرمایه ای است که طی پروسه تولید تغییر شکل داده و تبدیل می شود مثل بذر و مواد انرژی زا(فلوزا، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۳۳ تا ۱۳۵). طبیعی است که در بحث عوامل تولید منظور بیش تر سرمایه فنی است تا سرمایه اقتصادی؛ و در اینجا سرمایه پولی و کالاهای واسطه ای اعم از صنعتی، دامی و کشاورزی بیش تر مورد نظر است. «لَقَدْ كُنْتَ فِي عَفْلٍ مِّنْ هَذَا فَكَسَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» قرآن کریم چندین کالا از کالاهای واسطه ای را ذکر کرده است که تولید شده و در فرآیند تولید کالاهای دیگر قرار گرفته اند. کالاهایی مانند قطعه های آهن (زبر حديد) مس یا روی مذاب (قطر) برای تولید سد، آهن (مفتولهای باریک) در تولید زره (الثاله الحدید) و سرمایه های حیوانی از قبیل چارپایانی که واسطه در تولید پشم، مو، کرک، شیر و گوشت هستد که هر یک در تولید منسوجات، لبیات و فرآورده های گوشتی واسطه اند. هم چنین از از کشتی، نامبرده شده که وسیله حمل و نقل و دارای منافع است. به علاوه در قرآن سرمایه پولی نیز با تعبیر «خرج» آمده است.

قالُوا يَا ذَا الْقَرْئَنِينَ إِنَّ يَأْحُوْجَ وَ مَأْجُوْجَ مُفْسِدُوْنَ فِي الْأَرْضِ فَهُلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْتَنَا وَ بَيْتَهُمْ سَدًا (کهف: ۹۴)" فهل نجعل لك خرجا" - کلمه "خرج" به معنای آن چیزی است که برای مصرف شدن در حاجتی از حوائج، از مال انسان خارج می گردد. قوم مذکور پیشنهاد کردند که مالی را از ایشان بگیرد و میان آنان و یاجوج و ماجوج سدی بینند که مانع از تجاوز آنان بشود(طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۳۶۴). در اینجا «خرج» هم قرائت شده است. برخی گویند: فرق میان خرج و خراج این است که خراج چیزی است که از زمین خارج می شود و خرج چیزی است که از مال. برخی گویند: خراج یعنی غله و خرج یعنی اجرت. برخی گویند: خراج مالیات زمین و خرج مالیات سری مردم است. تغلب گوید: خراج چیزی است که سالانه گرفته می شود و خرج چیزی است که یک بار گرفته می شود(طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶ ص ۷۶۳). بعضی از مفسران آن را سرمایه پولی در نظر گرفته و به «نقدینه»(تفقی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۴۵۱). ترجمه دیگر کرده اند. از جمله «فهل نجعل لك خرجا على أن تجعل بيتنا و بيتهم سدا» به هر حال از این جمله استفاده می شود که آن جمعیت از نظر امکانات اقتصادی وضع خوبی داشتند، اما از نظر صنعت و فکر و نقشه ناتوان بودند، لذا حاضر شدن هزینه این سد مهم را بر عهده گیرند مشروط بر اینکه ذو القرنین طرح و ساختمان آن را پذیرا گردد(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۳۵). به عبارت دیگر گفته اند طرح و برنامه از شما و سرمایه از ما، سد محکمی برایمان بساز. ولی برخی دیگر از مفسرین منظور از خرج در این آیه که به ذو القرنین پیشنهاد شد، را گفته اند که که مراد ایشان از پیشنهاد خرج دادن اجرت بر سد سازی بوده در حقیقت خواسته اند به ذو القرنین مزد بدھند که او هم قبول نکرده است(طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۳۶۵).

ذو القرنین برای ساختن سد فقط از «خرج» استفاده نکرد بلکه قطعه های بزرگ آهن نیز کالاهای واسطه ای برای سد سازی مورد درخواست ذو القرنین بود. "آتونی زبر الحدید"- یعنی بیاورید برایم قطعه های آهن را تا در سد به کار ببرم. این آوردن آهن همان قوتی بود که از ایشان خواست. و اگر تنها آهن را از میان مصالح سد سازی ذکر کرده و مثلاً اسمی از سنگ نیاورده بدین جهت بوده که رکن سد سازی و استحکام بنای آن موقوف بر آهن است. در جمله «فاعینونی بقوه...» منحصر به نیروی انسانی نبوده بلکه اعم از نیروی انسانی و سرمایه است به این دلیل علامه طباطبائی می نویسد: پس جمله "آتونی زبر الحدید" بدل بعض از کل جمله "فاعینونی بقوه" است. ممکن هم هست در کلام تقدیری گرفت و گفت تقدیر آن: "قال آتونی ..." می باشد، و تقدیر در قرآن بسیار است. (همان) از جمله سرمایه ای که در اینجا به عنوان عامل تولید سد نام برده شده «قطر» (مس یا روی مذاب) است که پس از حرارات دادن به قطعه های بزرگ آهن و جوش خوردن آنها جهت استحکام و دوام سد استفاده و سد آهنین با مس مذاب (یا روی مذاب) پوشش داده می شود.

آیات ۱۰ و ۱۱ سوره سباء: وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَ الْفَضْلَا يَا جِبَالُ أُوّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَالنَّاَلَةَ الْخَدِيدَ (۱۰) أَنْ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَرْفَى السَّرْدٍ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱)

ممکن است گفته شود خداوند به صورت اعجازمندی روش نرم کردن آهن را به داود تعلیم داد، آن چنان که بتواند از آن مفتولهای نازک و محکمی برای بافت زره بسازد، و یا گفته شود که قبل از داود برای دفاع در جنگها از صفحات آهن استفاده می‌شد که هم سنگین بود و هم اگر آن را به خود می‌بستند چنان خشک و انعطاف ناپذیر بود که جنگجویان را سخت ناراحت می‌کرد(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۰)، هیچکس تا آن روز نتوانسته بود از مفتولهای باریک و محکم آهن چیزی همچون زره بیافد که همچون لباس به راحتی در تن برود و با حرکات بدن نرم و روان باشد.

ولی ظاهر آیه این است که، نرم شدن آهن در دست داود به فرمان الهی و به صورت اعجاز انجام می‌گرفت، چه مانعی دارد همان کسی که به کوره داغ خاصیت نرم کردن آهن را داده، همین خاصیت را به شکل دیگر در پنجه‌های داود قرار دهد؟ در بعضی از روایات اسلامی نیز به همین معنی اشاره شده است. در حدیثی آمده است که خداوند به داود وحی فرستاد. نعم العبد انت الا انک تاکل من بیت المال فیکی داود اربعین صباحاً فالان الله له الحدید و کان يعمل کل يوم درعا ... فاستغنى عن بیت المال (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۷، ص ۳۱)" تو بنده خوبی هستی جز اینکه از بیت المال ارتقا می‌کنم، داود ۴۰ روز گریه کرد (و از خدا راه حلی خواست) خداوند آهن را برای او نرم کرد، زرهی می‌ساخت ... و به این وسیله از بیت المال بی نیاز شد." درست است که بیت المال مصرف کسانی است که خدمت بدون عوض به جامعه می‌کنند، و بارهای زمین مانده مهم را بر می‌دارند، ولی چه بهتر که انسان بتواند هم این خدمت را بکند و هم از کد یمین- در صورت توانایی- امرار معاش نماید، و داود می‌خواست چنین بنده ممتازی باشد. به هر حال داود از این توانایی که خدا به او داده بود در بهترین طریق یعنی ساختن وسیله جهاد، آن هم وسیله حفاظت در برابر دشمن، استفاده می‌کرد، و هرگز از آن در وسائل عادی زندگی بهره‌گیری ننمود، و تازه از در آمد آن- طبق بعضی از روایات- علاوه بر اینکه زندگی ساده خود را اداره می‌کرد چیزی هم به نیازمندان اتفاق می‌نمود. علاوه بر همه اینها فایده دیگر این کار آن بود که معجزه‌ای گویا برای او محسوب می‌شد. بعضی از مفسران چنین نقل کرده‌اند که "لقمان" به حضور "داود" آمد به هنگامی که نخستین زره را می‌بافت، آهن را به صورت مفتوه و حلقه‌های متعددی در می‌آورد، و در هم فرو می‌کرد این منظره سخت نظر لقمان را به خود جلب کرد، و در فکر فرو رفت، ولی هم چنان نگاه می‌کرد، و هیچ سؤال ننمود، تا اینکه داود بافت زره را به پایان رسانید، برخاست و بر تن کرد و گفت چه وسیله دفاعی خوبی برای جنگ است؟! لقمان که هدف نهایی را در یافته بود، چنین گفت الصمت حکمة و قلیل فاعله!: "خاموشی حکمت است اما کمتر کسی آن را انجام می‌دهد(طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۹۷).

*** آیه بعد شرحی برای زره ساختن داود و فرمان بسیار پر معنی پروردگار در این زمینه است، می‌گوید: "ما به او گفتیم زره‌های کامل بساز، و حلقه‌های آنها را به اندازه و متناسب کن" (آن اعمل سابغات و قدر فی السرد). سابغات جمع "سابغ" به معنی زره کامل و فراخ است، و "اسباب غempt" نیز به معنی فراخی نعمت است. "سرد" در اصل به معنی بافت اشیاء خشن همانند زره است، جمله "و قدر فی السرد" مفهومش همان رعایت کردن اندازه‌های متناسب در حلقه‌های زره و طرز بافتن آن است. در واقع خداوند به داود دستوری می‌دهد که باید سرمشی برای همه صنعتگران و کارگران با ایمان جهان باشد، دستور محکم کاری و رعایت دقت در کیفیت و کمیت در مصنوعات، آن چنان که مصرف کنندگان به خوبی و راحتی بتوانند از آن استفاده کنند، و از استحکام کامل برخوردار باشد.

به داود می‌گوید: زره را گشاد و راحت درست کن، تا جنگجو به هنگام بوشیدن در زدنان گرفتار نشود، نه حلقه‌ها را بیش از اندازه کوچک و باریک کن که حالت انعطاف خود را از دست بدهد، و نه زیاد درشت و بی قواره که گاه نوک شمشیر و خنجر و نیزه و تیر از آن بگذرد، همه چیزش باندازه و متناسب باشد. خلاصه اینکه: خداوند هم "ماده" اصلی را به مقتضای "النا" له "الحدید" در اختیار داود گذاشت، و هم طرز صورت بخشیدن و ساختن زره را به او آموزش داد، تا مخصوصی کامل از این "ماده" و "صورت" فراهم گردد. و در پایان آیه داود و خاندانش را مخاطب ساخته می‌گوید: "عمل صالح بجا آورید که من نسبت به آنچه انجام می‌دهید بصیر و بینا هستم" (و اعملوا صالحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ)(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۲). در هر صورت در آیه به آهن به عنوان یک کالای واسطه ای در تولید زره که مورد استفاده حضرت داود بود و به فرآیند تولید زره و استفاده کارا و بهینه از مفتول های باریک در آن توجه شده است که این زره ها از رعایت تناسب در اندازه مفتول ها بدست می‌آید.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخْفَوْهَا يَوْمَ طَعْنَتُكُمْ وَيَوْمَ إِفَاقَتُكُمْ وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأُوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ (نحل: ۸۰) کلمه "صوف" پشم گوسفند را می‌گویند، و کلمه "وبر" پشم شتر را، هم چنان که موى انسان را "شعر" و نیز پشم بز را هم شعر می‌گویند، و "اثاث" به معنای متعاب بسیار خانه است زیرا به یک قطعه

از متابع خانه اثاث گفته نمی‌شود، در مجمع البيان می‌گوید: اثاث جمعی است که واحد ندارد هم چنان که متابع نیز چنین است و متابع از اثاث عمومی تر است زیرا مطلق حواج زندگی را هر چند مربوط به خانه نباشد متابع می‌گویند. و اینکه فرمود: "وَاللَّهِ جَعْلَ لَكُمْ مِنْ بَيْتِكُمْ سَكَنًا" معناش این است که خدا بعضی از بیوت شما برای شما مایه سکونت قرار داد که در آن ساکن شوید زیرا بعضی از بیوت قابل سکونت نیست مانند ابیار هیزم، "وَجَعْلَ لَكُمْ مِنْ جَلُودِ الْأَنْعَامِ بَيْوَتًا" یعنی از بعضی پوستهای که همان پوست دباغی شده است برای شما خانه‌هایی قرار داد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۳۱۴). و من أصواتها و أوبارها و أشعارها إلخ: ابن عباس گوید: یعنی از پشم و کرك شتر و موی بز، برای شما اثاث و وسائل زندگی درست کرد. برخی گویند: مقصود فرش و گلیم و دیگر وسایل خانه است. برخی گویند: منظور لباس و رختخواب است. همه این معانی، یکی هستند. و متابعاً إلى حين: و از آنها متابعهای مورد لزوم و تجاری در دسترس شما قرار داد و این نعمت‌های خداوند تا روز قیامت، ادامه دارند. این معنی از حسن است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ۵۸۱). آیه شریفه به کالاهای واسطه‌ای چون «پشم»، «کرك» و «مو» کالاهایی که در فرآیند تولید لوازم خانه، سایر کالاهای و تهییه مسکن قرار می‌گیرند و همچنین به اصل سرمایه حیوانی توجه می‌کند که تولید آنها در جریان تولید فرآوردهای گوشتی، لبنی و نساجی قرار می‌گیرد.

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ نُسْقِيْكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدِمْ لَبَنًا خَالِصًا سائِغًا لِلشَّارِبِينَ (نحل ۶۶)

گرچه این آیه شبیه آیه‌های پیشین در مقام جلب توجه به خالق متعال و عبرت گرفتن انسان است و سرمایه حیوانی و قرار گرفتن آن به عنوان عامل تولید شیر (و به تبع آن سایر فرآورده‌های لبنی) نام بده است.

ب "سکر" گرچه در لغت معانی مختلفی دارد، ولی در اینجا به معنی مسکرات و مشربات الكلی است، و معنی مشهور آن همین است. روشن است که قرآن در این آیه هرگز اجازه شرابسازی از خرما و انگور نداده بلکه با توجه به اینکه "مسکرات" را در مقابل "رزق حسن" قرار داده اشاره کوتاهی به تحریم خمر و نامطلوب بودن آن نموده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۹۱). دلالت آیه به قرار گرفتن خرما و انگور که کالاهای تولیدی هستند در تولید روزی‌های حلال نیز روشن است.

سوره مومون آیات ۱۹ تا ۲۲: آنَّشَانَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَغْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهَ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۱۹) وَشَجَرَةٌ تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيِّنَاءَ تَنْبَتُ بِالدَّهْنِ وَصِبْغٍ لِلأَكْلِينَ (۲۰) وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ نُسْقِيْكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۲۱) وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفَلَكِ تُحَمَّلُونَ (مومون ۲۲)

در آیه‌های پیشین گفته سه کالای واسطه‌ای همراه با محصولاتی ذکر شده است که این سه کالا در فرآیند تولید آنها عامل تولید هستند. پس از بحث از باغ‌های انگور، خرما و میوه‌های فراوان آنها به درخت زیتون و واسطه در تولید روغن قرار گرفتن آن می‌پردازد. بعد به چهارپایانی اشاره می‌کند که در تولید شیر (نسقیکم ممماً فی بُطُونِهِ) و فرآورده‌های گوشتی، لبنی، منسوجات و محصولاتی که از چرم آنها به دست می‌آید. (وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ) واسطه هستند. همچنین در آیه (وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفَلَكِ تُحَمَّلُونَ) خدماتی که در کشتی در حمل و نقل بار و مسافر ارائه می‌دهد مورد توجه است. در همین آیه و چند آیه دیگر کشتی عامل تولید خدمت (وسیله‌ای برای حمل و نقل) معرفی می‌شود. وَالذِّي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ لَهُمَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفَلَكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرَكَبُونَ (زخرف ۱۲) تَسْتَوَوا عَلَى ظَهُورِهِ ثُمَّ تَذَكَّرُوا بِغَمَّةٍ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سَبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرَنِينَ (۱۳) از خرف) نَفَّي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْفَلَكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَائِيَةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّياحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَقْلُوْنَ (بقره ۱۶۴)

افزون بر عامل آب و برخی عوامل زمینه ساز تولید، آیه شریفه کشتی را وسیله‌ای معرفی می‌کند که در دریا برای منافع مردم در حرکت است. طبیعی است منافعی که حرکت کشتی را به دنبال دارد جز قرار گرفتن آن در فرآیند تولید کالاهای و خدمات مانند حمل و نقل بار و مسافر، صیادی و ماهیگیری چیزی نخواهد بود که این سرمایه از ماشین آلات و تجهیزات (عامل تولید) شمرده می‌شود.

آیه‌هایی مانند آیه ۳۲ سوره ابراهیم نیز از تسخیر کشتی‌ها به وسیله انسان برای حرکت در دریاها سخن به میان آمده که به گونه‌ای بر عامل سرمایه می‌تواند دلالت داشته باشد.

نتیجه گیری

منابع تولید در رشد اقتصاد تاثیر بسزایی دارد، تا جایی که رشد اقتصاد جامعه به منابع تولید بستگی دارد. از آنجایی که قرآن کریم کتاب جامعی است، در آیات متعددی به منابع تولید اشاره کرده است. یکی از این منابع، منابع طبیعی است. در مورد اهمیت منابع طبیعی همین کافی است که منابع طبیعی در مقایسه با منابع تولیدی دیگر نقش اساسی تری دارد و سایر منابع، اعم از منابع انسانی و سرمایه، بدون منابع طبیعی کارایی لازم را ندارند و تولید و بازدید مفیدی از آنها به دست نمی‌آید. از نظر اسلام رابطه درست انسان با زمین بسیار محترم و ارزشمند است، افرادی که رابطه تولیدی با زمین دارند نه تنها به استحباب عمل می‌کنند که گران بهترین کار را انجام می‌دهند. آنان در دنیا از گران قدرترین افرادند و در آخرت از بهترین مرتب و بلندترین منزلت برخودارند. عامل دوم کار است؛ ارتباط مستقیم کار با انسان و تحقق آن به وسیله اراده وی، سبب امتیاز خاص این عامل، بر سایر عوامل تولید است؛ همچنان که از بعد اجتماعی و اخلاقی نیز «کار» دارای مقام والاًی است. و همچنین پروردگار متعال تمام آنچه را که انسان در روز قیامت از آن برخوردار می‌گردد، جزء کار و تلاش او، چیز دیگری نمی‌داند. عامل سوم سرمایه است، هنگامی که از سرمایه صحبت میکنیم منظور کل تعداد ماشین آلات، ساختمانها و سایر منابع ساخت انسان است که در لحظه‌ای از زمان موجود است. این دارایی‌ها بیان کننده منابع مصرف نشده در دوره‌های قبلی است که برای تولید کالای آینده مصرف خواهد شد.

منابع و مراجع

- ۱- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۷۹.
- ۲- ثقیل تهرانی محمد، تفسیر روان جاوید، تهران، ناشر: انتشارات برهان، ۱۳۹۸.
- ۳- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۴، دارالاحیاء التراث العربي، بیروت، ۱۳۹۱.
- ۴- رجائی، محمد کاظم، اقتصاد خرد با نگاهی به مباحث اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
- ۵- سبحانی، جعفر، سیمای اقتصاد اسلامی، قم، موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
- ۶- صدر، سید محمد باقر، اقتصاد ما، ترجمه: محمد کاظم موسوی، ج اول، انتشارات: برهان، ۱۳۵۰.
- ۷- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷.
- ۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- ۹- عبدالهی، محمود، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۱۰- فلوز، دونیز، اقتصاد معاصر، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران: سروش، ۱۳۷۰ - ۱۳۷۶.
- ۱۱- فیضی کاشانی، محمد محسن بن شاه، الوفی، اصفهان: کتابخانه امام علی (ع)، ۱۴۰۶.
- ۱۲- کرمی، محمد مهدی، پورمند (نبی زاده)، م Hammond، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۰.
- ۱۳- گروه مطالعاتی موسسه قرآنی ندای ملکوت، جهاد اقتصادی (چیستی، اهداف و الزامات جهاد اقتصادی در بیانات مقام معظم رهبری)، قم: انتشارات یوسف زهراء(س)، ۱۳۹۰.
- ۱۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۵- مهر آیین، محمد حسین، پیشرفت اقتصادی و عوامل آن، قم، انتشارات سایا، ۱۳۸۸.
- ۱۶- یوسفی، محمد رضا، کلیات اقتصاد اسلامی، قم، نشر خرم، ۱۳۷۵.